

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۶۶

جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۹۷، ۱ ژوئن ۲۰۱۸

### گلاسنوست! رهبر

اصغر کریمی

در روزهای گذشته به دختر دانشجویی اجازه داده شد که در حضور خامنه‌ای ارگانهای زیر نظر رهبری و فقر و بیحقوقی مردم را مورد انتقاد قرار دهد. سحر مهرابی که نماینده مدیران مسئول در شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشگاهی وزارت علوم است، عدم امکان نظارت و حسابرسی از نهادهای زیر نظر خامنه‌ای مثل سپاه پاسداران، قوه قضاییه و صدا و سیما را مورد انتقاد قرار داد، از نابرابری‌ها، حاشیه نشین‌ها، بیحقوقی اقلیت‌ها، تعرض به آزادی بیان، محدودسازی حق دسترسی به اطلاعات و فیلترینگ، فقدان آزادی اعتراض، فساد ساختاری و تبعیض، پرونده سازی علیه کارگران و معلمان و از ضرورت عدالت اجتماعی و آموزش رایگان صحبت کرد و پرسید مقامات حکومت از جمله خود خامنه‌ای چه پاسخی به این مشکلات دارند. او البته راه حل را اجرای قانون اساسی و حفظ جمهوری اسلامی با اصلاحات عنوان کرد و به همین دلیل به او امکان طرح این انتقادات داده شده بود. اما در عین حال کل سیستم و ارکان‌های مختلف آن و فقر و فساد و نابرابری را به باد انتقاد گرفت.

است. رهبر شعار مرگ بر دیکتاتور

چند میلیون مردم در خیابانهای

اطراف خانه اش در سال ۸۸ و

شعارهای مرگ بر خامنه‌ای و

جمهوری اسلامی در دیماه ۹۶ در

سراسر کشور را شنیده است و از

عمق انزجار عموم مردم و حتی

نفرت نیمی از حکومتیان از خودش

مطلع است و حالا بارعام داده تا در

محضر خودش این انتقادات از زبان

یک دانشجو بیان شود.

صرفنظر از اینکه اینهمه

معضلاتی که این دختر دانشجویی به

زبان آورده راه حلش سرنگونی

حکومت است نه اجرای قانون

اساسی، اما اعتراضات توده‌ای و

خیزش دیماه و تداوم و گسترش

اعتراضات توده‌ای در سراسر کشور

پیش زمینه این گلاسنوست! است.

اما اگر گلاسنوست گورباچف به

تغییر سیستم از بالا منجر شد،

گلاسنوست! آقا سیگنال‌های

جامعه برای سرنگونی است. این

گلاسنوست را جامعه با پای خودش

عملی کرده است. گلاسنوست آقا را

باید با صدای انقلابتان را شنیدم شاه

مقایسه کرد. مهم انتقادات این

دانشجوی ظاهرا یا باطننا اصلاح

طلب نیست، مهم این است که مردم

شکست دیکتاتور را در پشت این

نمایشات میبینند و مشروعیت

بیشتری برای آزادی اعتراض خود

احساس میکنند و تعرضشان را

تندتر میکنند.

خامنه‌ای در جواب به این

دانشجو یا دانشجوی دیگری گفته

است احساسش را تایید میکنم اما

حرفش را نه. شاید نمیداند که در

دوره‌های انقلاب احساس سرنوشت

جامعه را تعیین میکند نه حرف.

# حکومت فرو می‌باشد

این نوشته بر مبنی مصاحبه کانال جدید تدوین شده است

حمید تقوایی صفحه ۲

## بازتاب هفته

\* افطاری روحانی و پاسخ رد هنرمندان – کاظم نیکخواه

\* ادامه اعتصاب سراسری رانندگان کامیون – هشیار سروش

\* مرگ ناصر ملک مطیعی و نوستالژی سینمای گذشته ایران – حسن صالحی

صفحه ۳

## کارگران در هفته‌ای که گذشت

شهلا دانشفر صفحه ۴

### پرسی

چرا مارکس تقسیم کار را نقد میکند؟

کاظم نیکخواه صفحه ۵

## ۲۰۰۰ کارگر سه معدن متحدانه دست به اعتصاب زدند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۷

### سخنان مایک پمپئو:

آب یخی بر سر اپوزیسیون راست و طرفدار ترامپ

علی جوادی

صفحه ۱۰

اطلاعیه نهاد کودکان مقدمند در باره پرونده آزار جنسی در مدارس ایران

## جمهوری اسلامی و آموزش و پرورش آن مقصر اصلی آزار

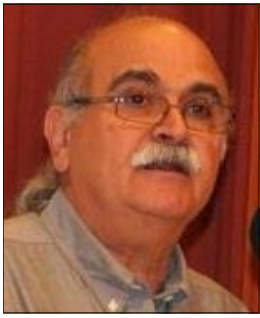
جنسی کودکان است!

صفحه ۱۱

## گزارش کوتاهی از میتینگ در مقابل سازمان جهانی کار

صفحه ۱۲





ایرلند بر سر سقط جنین انجام گرفت- بلکه فرزندم در مورد تناسب قوا در درون خود حکومت. در واقع میگفت بیاید به جناح من رای بدهید تا جناح خامنه ای را کنار بزنیم. این موضوع پیشنهادی فرزندم رئیس جمهور نظام بود. که طبعاً با مخالفت جناح مقابل روبرو شد.

بخش دیگری از حکومتیها طرح تشکیل شورای نجات ملی را اعلام کرده اند و عده ای از مقامات رژیم صریحاً از کنار گذاشتن خامنه ای و ولی فقیه صحبت میکنند. این موضوعات مورد بحث و جدل در میان جناحهای حکومتی است. در واقع بود و نبود حکومت به موضوع دعوا و کشمکش بین جناحها تبدیل به شده است. عده ای از مقامات هم چون میدانند این حکومت آفتاب عمرش بر لب بام است و امروز و فردا رفتنی است به دنبال این هستند که سابقه ای برای خودشان درست کنند برای اینکه در فردای سرنگونی از گزند خشم و اعتراض مردمی که جمهوری اسلامی را پایین کشد اند مصون بمانند. دارند خودشان را همراه مردم نشان میدهند و علیه خامنه ای و یا حتی علیه حکومت موضع میگیرند به این امید که فردا بدریا ریخته نشوند.

**کیوان جاوید:** آیا توده مردم میدانند مشغول انقلاب علیه حکومت هستند؟

**حمید تقوایی:** من فکر میکنم این یک باور عمومی است. مردم ایران میدانند این حکومت رفتنی است. حتی اگر با خواسته های مشخص و ظاهراً صنفی و مقطعی اعتراض کنند هدف و نیت شان خلاصی از شر حکومت است. باور عمومی این است که این حکومت را بزودی بزیر خواهند کشید.

## حکومت فرو می پاشد

این نوشته بر مبنی مصاحبه کانال جدید تدوین شده است

حمید تقوایی

های مشخصی را روی میز میگذارند کاملاً طبیعی است. طبیعی است که در اعتصابات سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان یک خواست مطرح نشود. شاید تا همان روز قیام هم این اتفاق نیافتد. شعار سرنگونی فی الحال در خیابانها داده شده است ولی روشن است که سرنگونی حکومت نمیتواند بعنوان مطالبه مطرح بشود. از سوی دیگر گرچه اعتصابات حول خواسته های معینی صورت میگیرد اما همه میدانند حکومت قادر به تامین این خواست ها نیست. حتی اگر رژیم در برابر این اعتراضات یک قدم عقب بنشیند، مردم قدم دیگری بجلو بر میدارند و توقعات بیشتر و مطالبات بیشتری را روی میز میگذارند. این سیلی است که سدها و موانع را جارو میکند و به پیش میرود. جامعه وارد انقلاب رو به گسترشی برای بزیر کشیدن حکومت شده است.

**کیوان جاوید:** قاعدتا بازتاب هر انقلابی باید در صفوف بالاپها خودش را نشان بدهد چطور میشود بازتاب این انقلاب را که شما از آن حرف میزنید در صفوف حکومت و در میان جناح بندیهای درونی خودشان دید؟

**حمید تقوایی:** اولین نکته این است که موضوع کشمکش جناحهای حکومتی دیگر موضوعات متعارف قبلی نیست. جمهوری اسلامی همیشه با کشمکشهای درونی و یک نوع بحران درونی روبرو بوده است. مثلاً قبلاً موضوع دعوا رابطه با آمریکا بود یا بر سر این بحث و اختلاف داشتند که اقتصاد در دست سپاه باشد یا در دست دولت باشد و از این نوع بحث ها. اما امروز ببینید سوزه چیست. خود روحانی به اصطلاح در سالگرد دهه فجرشان گفت بیایید فرزندم کنیم و آنهم فرزندم نه بر سر یک مساله اجتماعی- مثل فرزندم که چند روز قبل در

هر جامعه نرمالی برای بهبود زندگی از این نوع اعتراضات هست مثلاً در فرانسه. بطور مثال معلمین دست به اعتصاب و اعتراض میزنند و کسی نمی گوید که در آنجا انقلاب است یا انقلاب می شود.

**حمید تقوایی:** اگر رئیس جمهور فرانسه هم مجبور بشود بگوید تا یک سال دیگر ما را به دریا میریزند معلوم میشود در آنجا هم شرایط عادی نیست.

در شرایط نرمال دموکراسی های پارلمانی در کشورهای غربی حتی ممکن است کارگران اعتصاب سراسری هم نکنند ولی هم خود کارگران میدانند و هم حکومت میداند که این بر سر بود و نبود حکومت نیست، بلکه بر سر خواسته های معینی است که اعلام شده است. اگر کارگران به خواسته هایشان نرسند حداکثر ممکن است مثلاً وزیر کار استعفا بدهد. ولی در مورد شرایط سیاسی ایران این امر صادق نیست. همه میدانند باید این حکومت برود. من فکر نمی کنم کارگران و با بخشهای دیگر جامعه که خواسته های مشخصی را روی میز میگذارند تصورشان این است که جمهوری اسلامی سر کار میماند و خواستشان را میدهد و جامعه به شرایط عادی بر میگردد. بعنوان نمونه یک وجه مشخصه این اعتراضات مبارزه زنان و طرح خواسته نه به حجاب و بیدان آمدن دختران خیابان انقلاب است. آیا فکر میکنید کسی این تصور را دارد که زنان حجابها را بر میدارند و دیوارهای آپارتاید جنسی را در ورزشگاهها و ادارت و همه جا زیر پا میگذارند و جمهوری اسلامی همچنان در قدرت میماند؟ هیچکس چنین تصویری ندارد.

اینکه بخشهایی از جامعه، مثلاً در شرایط حاضر کارگران راه آهن، رانندگان کامیونها، معلمان و مال باختگان و سایر اقشار خواسته

ای که به پا خواسته و یک صدا اعلام کرده است که این حکومت باید برود.

خیزش دی ماه با تظاهرات های خیابانی در بیش از ۹۰ شهر شروع شد و بعداً در ابعاد و عرصه های دیگری ادامه پیدا کرد و الان نبض جامعه با اعتراضات و اعتصابات سراسری میزند. از سوی دیگر مبارزه قهرمانانه مردم کازرون نمونه ای از قیامهای شهری است که در راه است. اعتصاب و قیام شهری از نظر شکل مبارزه اشکال پیشرفته تری از تظاهرات هستند. از نظر مضمون و هدف، از همان روز اول مردم اعلام کردند که جمهوری اسلامی باید برود و امروز این خواست محوری در عرصه های مختلف مبارزه ترجمه میشود به خواست علیه فقر و بیکاری و گرانی و برای دستمزدهای عقب افتاده و حقوق های پرداخت نشده که در حال حاضر اعتصاب سراسری کارگران راه آهن با همین خواست اعلام شده است. اعتصابات کارگران راه آهن از روز بیستم اردیبهشت شروع شده است و برای ۵ تا ۱۰ خرداد فراخوان سراسری دادند. معلمان را دیدیم که روز معلم چگونه با قدرت ظاهر شدند و اعتصاباتی با مدت مشخص اعلام و عملی کردند. در روز کارگر دیدیم که چه بیانیه ای کوبنده را خواندند و در آن اعلام کردند که جامعه در حال فروپاشی است و نجات این جامعه در دست طبقه کارگر است. اینها نموده ها و بروزاتی است که در فرهنگ سیاسی مردم و جامعه به آن انقلاب میگویند.

**کیوان جاوید:** این را شما می گوئید. حزب کمونیست کارگری سرنگونی طلبها این را میگویند ولی توده مردم شاید بگویند ما برای خواسته هایمان مبارزه میکنیم. مثلاً رانندگان کامیون و کلا، کارگران، زنان و بخشهای دیگر جامعه برای بهبود زندگیشان تلاش میکنند. ممکن است بگویند در

**کیوان جاوید:** اعتصابات و اعتراضات از هر سو دارد فوران میکند. نمونه کازرون را داریم که جنگ خیابانی براف افزاده است، مردم شهر رژیم را مجبور به عقب نشینی کرده و شکست دادند. دیگر مردم صرفاً مطالبه ندارند بلکه دست به حمله و تعرض میزنند. یا اعتصاب رانندگان کامیونها و کامیونداران را داریم که سراسری شده است و حدود ۱۵۰ شهر در این اعتصاب شرکت دارند. اعتصابات کارگران، اعتصاب بازاریان، جا بجای کشور میجوشد و اعتراضات و اعتصابات خصلتی سراسری دارد. شما در این مورد چه نظری دارید؟ اوضاع را چگونه ببینید؟

**حمید تقوایی:** این شرایط انقلاب نامیده میشود. انقلاب عظیمی دارد شکل میگیرید که بروزانش همین ها هستند که شما به آن اشاره کردید. این جنبش از خیزش دی ماه شروع شد و ما همان موقع آن را نقطه عطفی در شرایط سیاسی ایران دانستیم. نقطه عطفی که سرنگونی حکومت را در محور سیاست قرار میدهد. کل جامعه، کارگران، زنان، جوانان همه سرنگونی رژیم را نزدیک می بینند. مردم سال جدید را سال سرنگونی حکومت میدانند و نه تنها مردم بلکه چنان فشار از پایین زیاد است و چنان اعتراضات کوبنده است که حتی خود مقامات حکومتی اعتراف میکنند رفتنی هستند. از این نگران هستند که مردم آنها را به دریا خواهند ریخت. میدانند و علناً میگویند جایی برای فرار ندارند. بعضی از آنها به این فکر افتاده اند که به شکلی خودشان را همراه مردم نشان دهند مگر در فردای سرنگونی از آتش خشم مردم در امان باشند. از شورای نجات ملی دم میزنند و از فرزندم صحبت میکنند و عده ای هم خیلی صریح میگویند خامنه ای و ولایت فقیه را باید کنار گذاشت. اینها تشنجات مرگ حکومت است در برابر جامعه

## بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

### افطاری روحانی و پاسخ رد هنرمندان

کاظم نیکخواه

امسال هم حسن روحانی پروال معمول هرساله گروهی از هنرمندان داخل کشور را به مراسم افطار دعوت کرده بود. اما جوابی که گرفت معمول نبود. بسیاری از هنرمندان عکس دعوتنامه روحانی را در صفحاتشان به اشتراک گذاشتند و با هشتگ ما به افطاری نخواهیم رفت، به روحانی جواب رد دادند. در جوابها اعتراض به سفره خالی مردم، اعتراض به شرایط کشور و اعتراض به خلف وعده های روحانی جلب نظر میکرد.

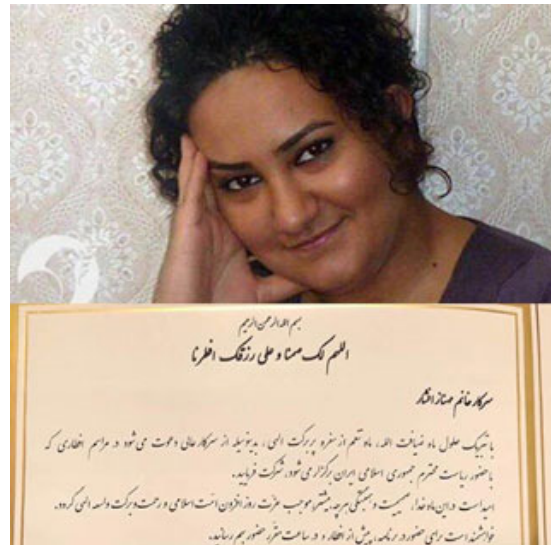
مهناز افشار، بازیگر فیلم "آتش‌بس" که این روزها سریال گلشیفته را در شبکه سینمای خانگی دارد کار بسیار جالب و

شجاعانه ای کرد. او در اینستاگرام و توئیتر خود عکس دعوتنامه اش را در کنار عکس آشنا دائمی، زندانی سیاسی منتشر کرد و نوشت: "با تشکر از دعوت حضرتعالی از شما می‌خواهم به جای من آشنا دائمی فعال حقوق بشر و زندانی سیاسی را که به تازگی در زندان قرچک ورامین ۳۰ ساله شده و اکنون در دعوت زندان اوین به سر می‌برد را دعوت کنید. او جنایتکار نیست فقط برای حقوق انسان‌ها در این سرزمین تلاش کرده".

یکی دیگر از هنرمندان به کل اوضاع جامعه و بویژه کشتار کولبران در کردستان اعتراض کرد و در صفحه اینستاگرامش اینطور

جواب داد: "آقای رئیس جمهور من به افطاری شما نخواهم آمد... سفره ما مردم ایران روز به روز خالی تر میشود... بیماری و فقر در استان های سیستان و بلوچستان روز به روز بیشتر میشود.... وضعیت زلزله زده ها، سالهای سال به همین منوال باقی مانده است (زلزله بم و حالا کرمانشاه) آب و هوایی که در بیشتر استان ها غبار آلوده است و هموطنان کوردمان روزی نیست که عذاب نکشند، کوله برانی که با شلیک کشته میشوند. حتی اسب هایشان تیرباران میشوند. وضعیت زنان در هر حوزه ای که

ادامه صفحه ۸



### مرگ ناصر ملک مطیعی و نوستالژی سینمای گذشته ایران

حسن صالحی

که هنوز فرهنگ "کلاه مخملی" در ایران خریدار دارد. به نظر من چنین نیست. نه اقبال فیلم هایی نظیر قیصر و نه هنرپیشه ای نظیر ناصر ملک مطیعی لزوماً ربطی به احترام به ارزشهای ضد زن، لوطی گری و فیلم های جاهلی ندارد. حقیقت این است که همان زمان

با مرگ تاسف بار ناصر ملک مطیعی هنرپیشه نامدار سینمای قدیم ایران بحث در باره نقش و جایگاه هنری ایشان با گرمی در جریان است. برخی می گویند توجه نسل جدید به هنرپیشه ای که سالها قبل از تولد آنها در سینمای ایران نقش آفرینی می کرد از این روست

که فیلم جاهلی قیصر بر پرده سینمای ایران آمد و به مانیفست ناموس پرستی تبدیل شد، منقیدینی داشت که اگر چه صدایشان چندان پژواکی نداشت ولی حرفشان را زدند. منجمله هوشنگ طاهری در نقدی تند به فیلم قیصر نوشت: "قیصر بدون شک

## ادامه اعتصاب سراسری رانندگان کامیون

هوشیار سروش

است. این اعتصاب که بیش از ۹۰ درصد حمل و نقل زمینی را در گسترده جغرافیای ایران شکل داده است مشتمل بر ۴۳۷ هزار دستگاه کامیون را در بر می گیرد که نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر از رانندگان و صاحبان کامیون را شامل میشود.

این اعتصاب که در بعد گسترده‌گی و سراسری بودن خود جزو کم نظیر ترین اعتصابات در سالهای اخیر و بخصوص بعد از خیزش دیمه سال گذشته است از مختصات ویژه ای نیز برخوردار است.

این حرکت تا همین جا از حمایت های وسیعی برخوردار شده است. بخشهای مختلف حمل و نقل شهری و بین شهری حمایت خود را از این حرکت اعتصابی به انحاء مختلف ابراز کرده اند. اعتصاب رانندگان تاکسی در بعضی از شهرها نظیر اصفهان تهران و بعضی از شهرهای استان کردستان نشاندهنده حمایت مردم در بخشهای مختلف حمل و نقل است، که بنظر میرسد این روند در اشکال مختلفی خود را نشان میدهد.

این حرکت در متن اعتراضات و اعتصابات در بخش های مختلف نظیر اعتراضات کارگران راه آهن ترابرس، کارگران هیپگو و اعتصابات شهرهای کردستان و بخصوص شهر بانه و هم چنین اعتراضات دیگر بخشها نظیر معلمان، مالباختگان و دانشجویان و بویژه اعتراضات گسترده مردم

ادامه صفحه ۸

در فرهنگ حاکم بر فیلم قیصر یعنی فرهنگ مردسالارانه و ناموس پرستانه و ضد زن اگر فاطمی به خاطر تجاوز جنسی دست به خودکشی نمی زد بطور قطع به دست برادرانش فرمان و قیصر کشته می شد چرا که در این فرهنگ تجاوز به یک زن نه به معنای تعرض به جسم و روان یک انسان بلکه بعنوان تعرض به

ادامه صفحه ۸

از روز سه شنبه اول خرداد ماه اعتصاب گسترده و سراسری رانندگان و کامیونداران سراسر کشور شروع شده است. این اعتصاب که در نوع خود در ۴۰ سال اخیر کم سابقه بوده است، بیش از ۱۵۰ شهر بزرگ و کوچک ایران را در بر میگیرد و تا امروز با قوت و قدرت کم نظیری ادامه داشته است.

خواستهای اولیه رانندگان و کامیونداران مثل بسیاری از خواستهای بحق مردم ایران در وهله اول مطالبات صنفی و رفاهی است. اما هیچکس در تاثیرات جدی این اعتصاب در فضای سیاسی ایران تردید ندارد. اولین تاثیر آن نشان دادن و تاکید بر یکی از راههای موثر فلج کردن حکومت اسلامی یعنی اعتصاب سراسری است. از جمله اولین مطالبات و اعتراضات رانندگان و کامیونداران اعتصابی، اعتراض به افزایش هزینه وسایل یدکی و تعمیرات اساسی ماشین ها؛ اعتراض به بالا رفتن بی رویه قیمت های مختلف کار و هم چنین اعتراض به افزایش هزینه های بیمه و کمیسیون های حمل و نقل بار که نقش دلالان و واسطه گران و غیر مستقیم دولت و ایادی حکومتی که هزینه های کمر شکنی را برگرده این بخش زحمتکش تحمیل کرده است می باشد. مطالبات دیگر این بخش نظیر کوتاه کردن دست نهادهای فرمایشی نظیر کمیسیون های مختلف زمان بارگیری و تشکیل های دست ساخته نظیر انجمن های صنفی و نهاد های رنگارنگ دولتی نیز جزو خواستهای این اعتصاب

ارتجاعی ترین فیلمی است که تا کنون در سینمای ایران ساخته شده است. کیمیایی با این فیلم خود، درست در حساس ترین لحظه ای که سینمای مبتذل بومی ما در آخرین مراحل حیات خود دست و پا می زند و می رود که به یکباره در ابتدال روزافزون خود خفه شود، به یاریش می شتابد و با انتخاب موضوعی اشک انگیز و پرداختی احساساتی، بار دیگر حیاتی نو به این کالبد فاسد می دهد".

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



میدان می آیند.

### موج جدید اعتصابات سراسری کارگران تراورس راه آهن

میشود، اما از خدمات آن محرومند. فراخوان کارگران راه آهن تراورس به اعتصاب و تجمع سراسری در ایستگاههای راه آهن برای ۵ تا ۱۰ خرداد، نشانگر موج جدید اعتصاب در بخشهای مختلف راه آهن ایران است که بدون شك تاثیر خود را بر اعتراضات دیگر بخش های جامعه میگذارد.

### تجمع اعتراضی اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه

از صبح روز ۵ خرداد کارگران بخش های مختلف نیشکر هفت تپه بدنبال پایان بهره برداری و خاموش شدن رسمی کارخانه در هفته گذشته، در اعتراض به سه موضوع مهم از جمله عدم پرداخت دستمزد سه ماه و بن های سال ۹۵، مسکوت ماندن طرح طبقه بندی مشاغل و ندادن عناوین شغلی به کارگران و اخراج تعداد زیادی از کارگران ( بیش از ۲۰۰ نفر) نیروهای اقبالی به بهانه اتمام بهره برداری در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. کارگران اعلام کرده اند که اگر جواب نگیرند، اعتراضاتشان را در اشکال گسترده تری به جلو خواهند برد. بویژه کارگران نیشکر هفت تپه از هم اکنون تا فصل زمستان فقط بکار تعمیرات میپردازند و هیچگونه تولیدی نخواهند داشت. از همین رو کارگران نگران امرار معاش خود بوده و در میان آنها زمزمه های برپایی اعتصابی بزرگ با خواست پرداخت تمام طلبهایشان بالا گرفته است.

نیشکر هفت تپه به لحاظ مبارزاتی یکی از مراکز مهم اعتراضات کارگری است که به لحاظ نقش فعال خانواده ها، اتحاد و یکپارچگی کارگران در برابر

هفته گذشته، هفته اعتصاب سراسری کارگران تراورس راه آهن بود. این کارگران در تداوم اعتراضات يك ماه گذشته شان، طی فراخوانی سراسری روزهای ۵ تا ۱۰ خرداد را به عنوان روزهای تجمعات خود در شهرهای مختلف اعلام کرده بودند. در پاسخ به این فراخوان کارگران تراورس در شهرهایی مختلف تجمعاتی بر پا کردند. از جمله در شهرهای مشهد، نیشابور، اصفهان، شاهرود، سمنان و دامغان کارگران برای پیگیری خواستهایشان دست از کار کشیده و جلوی حرکت قطارها را گرفتند و خواستهایشان را پیگیر شدند. ضمن اینکه کارگران راه آهن تراورس شاهرود پیش از این تاریخ اعتراضاتشان را شروع کرده بودند و هشتم خرداد چهاردهمین روز تجمع اعتراضی آنان بود. کارگران تراورس زاگرس نیز نزدیک به دو هفته است که در اعتراض هستند و در هفتم خرداد ماه همراه با خانواده هایشان تجمع داشتند. کارگران متروی تهران هم حمایت خود را از اعتراضات کارگران راه آهن اعلام کرده بودند.

۷۰۰۰ کارگر در خطوط ابنیه راه آهن که تحت مسئولیت شرکت «تراورس» در مناطق مختلف مشغول کارند، دست کم ۴ ماه مزد معوقه طلبکارند و پرداخت حق سنوات آنان از سال ۹۱ به تاخیر افتاده است. این کارگران علاوه بر خواست طلبهایشان، خواستار حذف قراردادهای موقت و یکسان سازی حقوق رسمی و غیررسمی هستند. به علاوه هر ماهه پولی بابت بیمه تکمیلی از حقوق آنها کسر

نزدیک به یکماه تجمع و راهپیمایی هزاران کارگر گروه فولاد ملی در اهواز در اسفند ۹۶ و ادامه اعتراضات این کارگران در آغاز سال جاری روزهای درخشان و تاریخی ای از مبارزات این کارگران و جنبش کارگری در سالهای اخیر است. این کارگران در طول اعتراضاتشان با شعارهایی چون ما کارگریم، نه برده، حقوق میخوایم نه وعده، تا حقمون نگیریم، از پا نمی نشینیم، نه تهدید، نه زندان، دیگر فایده ندارد، کارگر میمیرد، ذلت نمیپذیرد، می ایستیم، می میریم، حقمون رو میگیریم، کارگر زندانی آزاد باید گردد، دزدا بیرون، کارگران زندان، ما کارگریم، نون می خوایم، دوا و درمون می خوایم، حساب ها پر نشه، اهواز قیامت میشه، مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر، توپ، تانک، فشفشه، حساب باید پر بشه، استاندار بی عرضه نمیخواهیم، نمیخواهیم، حقوق کارگر را نمیدن، مین هتل میخرن، عرضه کار ندارید، پست را کنار بزارید، سفره ما خالیه، ظلم و ستم کافیه؛ اعتراض خود را به فقر، تبعیض و نابرابری، و کل این بساط توحش و بردگی و دزدسالار حاکم اعلام کرده و بطور واقعی اعتراض کل جامعه را در خیابانهای اصلی شهر فریاد زدند و کل شهر اهواز را به تحرك درآوردند.

زیر فشار این اعتراضات به کارگران وعده و وعید دادند. مدیریت آثرا موقتا به بانک ملی سپردند، اما مشکلات به جای خود باقی ماند و همانطور که کارگران اشاره کرده اند، نا امنی شغلی، تعویق پرداخت چند ماهه دستمزدها، امنیتی کردن مبارزات کارگران و تهدید دائمی آنان به اخراج و دستگیری، همچنان از جمله معضلات اساسی این کارگران است. در اعتراض به این وضعیت است که دور جدید مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز آغاز شده و کارگران با اعلام اینکه این وضعیت قابل قبول نیست، دارند به

و دفترچه های درمانی آنها تمدید نشده است. همچنین حق بیمه تکمیلی این کارگران نیز از نیمه دوم سال گذشته تا بحال به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز نشده است. اگر چه اقساط بانکی آن هر ماهه از حقوق کارگران کسر میشود.

به گفته کارگران گروه ملی اهواز علیرغم اینکه با موسوی مدیر عامل شرکت فسخ قرار داد شده است، اما عوامل او مرتبا مشکل ساز هستند. از جمله با استخدام برخی افراد که دارای سابقه جرم و کیفری دارند، جهت ایجاد تشنج و احتمال درگیری، تلاش میشود که به تشمت و نا امنی در کارخانه دامن زده شود. و یا با کم کردن وسایل نقلیه عمومی پرسنل جهت ایاب و ذهاب، سعی میکنند که بخشهای مختلف شرکت به تعطیلی کشیده شود. همچنین با تهدید و ارباب کارگران معترض فضای کارخانه امنیتی شده است. ضمن اینکه معضل دستمزدهای معوقه و نپرداختن حق و حقوق کارگران همچنان ادامه دارد. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در فراخوان اعتراضی خود به تجمع برای روز هشتم خرداد ماه در مقابل استانداری، ضمن اشاره به تمامی این مشکلات، برای روشن شدن تعیین تکلیف شرکت و مسائل مربوط به حقوق و دستمزد های پرداخت نشده شان بر غیر قابل تحمل و غیر قابل قبول بودن حضور موسوی، ممبینی و تمامی باقی مانده های شرکت فاسد ایشارگران تاکید کرده اند.

دور جدید اعتراضات ۴ هزار کارگر گروه ملی اهواز و اولتیماتوم آنها به تجمع هر روزه در مقابل استانداری تا پاسخگویی به خواستهایشان، دور جدید اعتراضات کارگران هپکو و تجمع مشترک آنان با کارگران آذرباب در اراك، اعتصاب بزرگ کارگران هفت تپه و ادامه اعتراضات سراسری کارگران تراورس راه آهن از جمله سر تیترو های مهم اخبار و مسائل کارگری در هفته گذشته است.

### دور جدید اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز

ساعت ۹ صبح روز ۸ خرداد کارگران گروه ملی فولاد اهواز طی فراخوانی همگانی که از طریق مدیای اجتماعی اعلام شده بود، در اعتراض به خلف وعده های مقامات مسئول و برای پیگیری خواستهایشان در مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. فراخوان این کارگران خطاب به تمامی پرسنل شرکت و تمامی نهادهای دولتی و مقامات مسئول شهر اهواز و استان خوزستان بود. در این حرکت اعتراضی کارگران با سر دادن شعارهایی مسیر منتهی به میدان فلسطین را بستند و بعد نیز از آنجایی که هیچ پاسخی نگرفتند، جهت تداوم اعتراض خود به سمت کارخانه حرکت کرده و اولتیماتوم دادند که تا وقتی جوابی نگیرند، تجمعات اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان هر روزه برپا خواهند کرد.

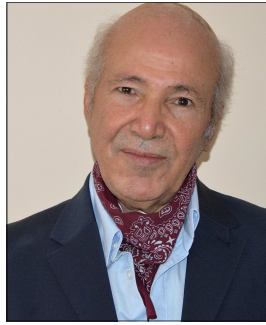
کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز سه ماه مزد طلب دارند



## چرا مارکس تقسیم کار را نقد میکند؟

پاسخ به یک سوال

کاظم نیکخواه



نبینیم).

از نظر تاریخی اساسی ترین تقسیم کاری که به بقیه تقسیمات نیز شکل داده تقسیم کار فکری و بدنی است. عده ای متخصص "کار فکری" میشوند و اکثریت محکوم به کارهای شاق و کم درآمد فیزیکی. در ادامه انواع تقسیم کارهای بسیار دیگری هم شکل گرفته است. این روندی است که بتدریج در طول تاریخ در جوامع مختلف شکل گرفته است و هزاران و میلیونها شاخه کار اجتماعی ایجاد شده است که اساس همه آنها بر همان تقسیم میان کار بدنی و کار فیزیکی است. هرچه شما به طبقه حاکم نزدیک تر باشید از کارهای عملی و تولیدی دور تر میشوید و برعکس لایه های پایینی جامعه آنها هستند که کارهای فیزیکی را انجام میدهند و بار اصلی تولید اجتماعی بر دوش آنهاست.

آیا در جوامع کمونیستی تخصص وجود ندارد؟ قطعاً وجود دارد. اتفاقاً برعکس همه افراد جامعه امکانات وسیع و برابری دارند که در رشته های مختلف تخصص پیدا کنند. در این جامعه که انسانی ترین جامعه است کار وسیله امرار معاش فردی نیست. یعنی اینطور نیست که شما با انجام بعضی کارها پول بیشتری بگیرید و با برخی پول کمتر. با انجام بعضی کارها بچه هایتان گرسنه میمانند و با انجام برخی در عرش اعلای زندگی میکنید. ما در دوره ای زندگی میکنیم که با ثروتهای موجود میشود همه نیازهای رفاهی بشر را بطور کامل رفع کرد.

جامعه کمونیستی جامعه ای است که در آن بر خلاف تمام جوامع موجود یک اقلیت مفتخور انحصار ثروتهای اجتماعی را در چنگ خود ندارد. در نتیجه همه مردم نیازهای رفاهی شان بطور کامل تامین

میشود و کار یک اجبار مادام العمر نیست. بعضی ها سوال میکنند در آن صورت آیا تن پروری حاکم نمیشود؟ این نوع ارزیابی و این نوع نگرانیها یا تبلیغات بخاطر دیدگاهی است که بر جامعه کنونی یعنی سرمایه داری حاکم است و انسانها را موجوداتی می بیند که مثل گله به چوپان و پاسبان نیاز دارند و اگر پاسبان و پلیس بالای سر آنها نباشد جنایت میکنند، تن پروری میکنند یا پا توی پای یکدیگر میدهند. این واقعیت جامعه سرمایه داری است که رقابت و دزدی اساس آنرا تشکیل میدهد. انسانها بطور طبیعی نه دزدند نه تنبل و تن پرورند و نه جنایتکارند و نه به پاسبان و چوپان نیاز دارند. اتفاقاً پاسبان و پلیس برای حراست از دزدان و تن پروران مادام العمر ایجاد شده اند. مردم بطور طبیعی نوع دوستند و موجوداتی اجتماعی هستند و عمیقاً به کار کردن علاقمندند. کار به یک فعالیت شادی بخش تبدیل میشود نه عملی شاق و مادام العمر برای ارتزاق. بر این اساس وقتی که جامعه طبقاتی نیست همه اقسام کار تلاشی است داوطلبانه برای رفع نیازهای اجتماعی. اتفاقاً در این حالت است که کار کردن از یک شکنجه روانی و فیزیکی خارج میشود و به یک تلاش خلاق و شادی بخش در خدمت جامعه تبدیل میشود. برای اینکه روشن شود چه تحولی میتواند صورت گیرد یک لحظه تصور کنید که کارگر ساختمانی و کارگر کارخانه و رئیس اداره در هر حال زندگیشان بخوبی تامین میشود و هیچکدام بخاطر کارشان تحقیر نمیشوند و هیچکدام بخاطر کارشان گرسنه نمیمانند و فقیر نمیشوند و همه در رفاه و آسایش کامل زندگی میکنند. در آن صورت چه اتفاقی می افتد؟ تعداد انسانهایی که متخصص کارهای پیچیده میشوند بسیار بیشتر خواهد بود. چرا که امکانات متخصص شدن در انحصار یک اقلیت نیست بلکه در اختیار همه افراد جامعه است و همه افراد تشویق میشوند که کارهای مختلف را انجام دهند و تخصصهای مختلفی داشته باشند و در خدمت جامعه از تخصص خود استفاده

کنند و تمام عمر مثل یک ماشین به یک کار یکنواخت نپردازند. کاشی کار فرضی شما در این جامعه امکان زیادی برای انجام کارهای متفاوت ندارد اما در جامعه کمونیستی این شانس را دارد که کاشی کاری را خوب و علمی یاد بگیرد و در عین حال میتواند هر وقت خسته شد و علاقه داشت چند سال هم از کاشی کاری فاصله بگیرد و به دانشگاه برود تا علوم اجتماعی یا پزشکی را بیاموزد و بعد از چند سال چندین کار را میتواند انجام دهد. هم متخصص کاشی کاری است و هم متخصص پزشکی و غیره. هم میتواند اگر لازم شد در بیمارستان بعنوان پزشک کار کند و هم هر وقت خواست و لازم بود به کار کاشی کاری یا کاری دیگر بپردازد. هیچکس محکوم نیست که مادام العمر به انجام کاری محکوم شود. و در هیچ کاری استاندارد زندگیشت افت نمیکند. در هر صورت زندگیست بخوبی تامین است و احترام و منزلتش نیز سرجای خود قرار دارد.

امیدوارم با این توضیح روشن باشد که چرا مارکس تقسیم کار در جامعه موجود را نقد میکند و از چه زاویه ای. در جامعه موجود انسانها با انسانیتشان ارزیابی نمیشوند بلکه با پست و مقام و شغلشان ارزیابی میشوند. این بیان دیگری در مورد از خود بیگانگی در جامعه سرمایه داری است که مارکس در تولید کالایی از آن سخن میگوید. اینجا هم نوعی از خود بیگانگی به نوعی خود را نشان میدهد. کار بجای اینکه بعنوان عملی مفید برای یک هدف مفید اجتماعی تلقی شود بطور خود، بعنوان مدال و پست و پرستیژی یا درجه اجتماعی عمل میکند. اکثر انسانها اسیر شغلشان میشوند. و یک اقلیت از شغلشان بعنوان درایت و تخصص و منزلت و برتری استفاده میکنند. این وضعیت در جامعه کمونیستی از بین میرود و همه مردم از امکانات مساوی برخوردار میشوند.

fb.com/  
wpiran/

دوست عزیز سوالشان را اینگونه طرح کرده اند: مارکس در جایی میگوید که شغل های مختلف نباید دایمی و برای یک نفر همیشگی باشد. یک نفر تا ظهر ماهیگیر است بعد از ظهر میتواند حساب دار باشد و شب هم به کار نویسندگی و ویراستاری مشغول باشد. آیا امروز و در این زمان که فرا گرفتن تخصصها زمان بر است و شغلها واقعا تخصصی هستند و هر کس هر کاری دلش خواست نمیتواند انجام دهد، آیا گفته مارکس بیهوده نیست و آیا واقعا عملی است؟ مثلاً من که کاشی کار هستم نمیتوانم به راحتی پزشکی روی یاد بگیرم و تغییر شغل بدهم و پزشک هم نمیتواند به همین راحتی کاشی کار شود. و آیا این اختلاف در مشاغل و بالطبع سایر اختلافات، رفع شدنی هستند؟ ممنون از شما گرامی!

**کاظم نیکخواه: دوست عزیز!**

بحث مارکس که سعی میکنم اینجا کمی در مورد آن توضیح دهم بر سر ممنوعیت یا محدودیت تخصص نیست. بلکه نقدی بر آن چیزی است که در جوامع موجود به آن "تقسیم کار" میگویند و عملاً مهر طبقاتی را بر خود دارد و یک نوع دیوارهای طبقاتی حول کارها و شغلها مختلف است که با توجیه تخصص و تقسیم کار روی آن سرپوش گذاشته میشود. هیچوقت از خود پرسیده اید چرا عنوان "دکتر" و "مهندس" و "رئیس" و "سرهنگ" و "تیمسار" در این جوامع بعنوان علامت تشخیص بکار برده میشود، اما عمله و کارگر حالت تحقیر و حتی توهین دارد؟ همین کاملاً طبقاتی بودن شغلها را بازتاب میدهد. در جامعه سرمایه داری کار یا شغل بخودی خود علامت تشخیص یا نشانه تحقیر است. در یک شرایط متفاوت از شرایط کنونی هم پزشک فرضی شما میتواند کاشی کار شود و هم کاشی

از صفحه ۲

حکومت فرو می پاشد

یک ویژگی قابل مشاهده در این شرایط اینست که توده مردم سیاسی شده اند. قبل از خیزش انقلابی جاری مردم از شرایط زندگیشان به تنگ آمده بودند، خیلی عصبی بودند، به ستوه آمده بودند ولی لزوماً بحثها به وضعیت سیاسی و سرنگون کردن حکومت منجر نمیشد. گفتن عمومی این بود که این آخوندها سر جای خود هستند، پدر ما را در آورده اند ولی محکم بقدرت چسبیده اند و غیره. ولی الان اینطور نیست. توده مردم، و نه فقط نیروهای سیاسی و یا فعالین اعتراضات اجتماعی، وارد بحث های سیاسی شده اند. آینده چه می شود؟ این حکومت چگونه سرنگون میشود؟ وضع منطقه چه میشود؟ آمریکا چه میگوید؟ جناحهای جمهوری اسلامی را چگونه باید عقب راند؟ چه بلایاتی باید بر سر خامنه ای آورد و غیره و غیره. اینها نقل محافل مردم ایران است و اینهم یکی از ویژگی های جامعه ای است که میدانند وارد یک فاز انقلابی شده است و دارد با حکومت تعیین تکلیف میکند.

**کیوان جاوید:** شما خیلی با هیجان و با یک روحیه شاد و اعتماد بنفس از انقلاب و مبارزات مردم صحبت میکنید ولی آیا بعضی از این اعتصابات، مثل اعتصاب بازاریان، عقب مانده و حتی ارتجاعی نیست؟ بازاری برای سود خودش اعتصاب میکند. این چه ربطی به انقلاب دارد؟

**حمید تقوایی:** بله بازاریان برای خواسته های خودشان اعتصاب میکنند و بخشهای دیگر طبقه حاکمه هم ممکن است در این شرایط دست به اعتصاب بزنند ولی اصل قضیه این است که این بازتاب و از بروزات یا نتایج جنبش انقلابی است که با قدرت دارد به پیش میرود. در شرایط انقلابی حتی بخش های از طبقه حاکمه هم با خواست ها ویژه خودشان، که اکثراً حتی قابل دفاع هم نیست، دست به اعتراض و اعتصاب میزنند ولی نفس اینکه اعتراضات چنین عمومی و سراسری می شود از نشانه ها و نتایج جنبش سرنگونی طلبانه است. این بخاطر

خامنه ای از دو زاویه متفاوت صورت میگردد. وقتی که مردم شعار میدهند مرگ بر خامنه ای دارند نماد و رهبر و رکن و ستون فقرات حکومت را نشانه میگیرند و میدانند با رفتن خامنه ای کل این حکومت فرو می پاشد و یا امیدوار هستند که اینطور بشود. به همین معنا خیلی جاها شعارها و اعتراضات مردم علیه خامنه ای متمرکز میشود. همانطور که در انقلاب ۵۷ هم که مرگ بر شاه شعار کلیدی بود، منظور مردم این نبود که شاه برود ولیعهد بیاید! یا شاه برود مثلاً نخست وزیرش شاه بشود! منظور این بود که کل این سیستم باید برود و مرگ بر شاه یعنی مرگ بر کل سیستم. حالا هم همین طور است. مرگ بر خامنه ای یعنی مرگ بر جمهوری اسلامی. البته مردم امروز از اینهم فراتر رفته اند و صریحاً شعار جمهوری اسلامی را نمی خواهیم و مرگ بر حکومت و "اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمامه ماجرا" را هم مطرح کرده اند. یعنی مردم اعلام کرده اند کل حکومت با کل جناح هایش را نمیخواهند و با شعار مرگ بر خامنه ای هم دارند همین امر را دنبال میکنند.

ولی مخالفت حکومتیها با خامنه ای کاملاً امر متفاوتی است. دو خردادیهای سابق یا کسی مثل احمدی نژاد که حتی دوی خردادی هم نیست و یا جناحهای دیگر که از این دو جناح اصلاح طلب و اصول گرا مشتق شده اند اغلب شان خامنه ای را مورد حمله قرار میدهند برای اینکه، درست برعکس مردم، امیدوار هستند خامنه ای را کنار بزنند و سیستم را نجات دهند. مردم میخواهند خامنه ای برود برای اینکه کلیت سیستم را نمیخواهند ولی بالائینها میخواهند خامنه ای را قربانی کنند برای اینکه بقیه نظام و کل سیستم را نجات دهند و یا اینطور وانمود کنند که هرچه هست زیر سر ولی فقیه است و اگر ولی فقیه برود ظاهراً مردم با بقیه نظام مسئله ای ندارند.

**کیوان جاوید:** روی نکته ای مهمی انگشت گذاشتید وقتی که آمریکا از برجام بیرون آمد همین چند روز پیش ۱۸۵ نفر نه فقط از

داخل ایران بلکه در سطح جهانی از چهره های بین المللی و مشهور پشت جناحی از حکومت آمدند و از روحانی مستقیماً دفاع کردند. آیا خطر این وجود ندارد که اگر خامنه ای زیر ضرب بیشتر برود جامعه و الیت روشنفکری که منافع طبقه کارگر و توده عظیم زحمتکشان را ندارند بتوانند این حکومت را حفظ کنند؟ شما این خطر را حس نمی کنید؟

**حمید تقوایی:** حتماً این تلاش را می کنند. تا جایی که به این نامه ۱۸۵ مربوط میشود اینها چهره ها و شخصیت های طرفدار روحانی هستند. طرفدار با اصطلاح همان جناحی هستند که از تغییراتی جزئی و تدریجی در حکومت حرف میزند. اینها همیشه طرفدار استحاله یعنی حفظ حکومت با تغییراتی جزئی بوده اند. امروز به بهانه برجام و اینکه آمریکا از برجام بیرون آمده است، اطلاعیه ای داده اند و در آن گفته اند که رئیس جمهور دوبار انتخاب شده است و متعهد است و غیره.

معضل این جماعت اینست که جامعه از فاز این نوع مانورهای دو خردادی رد شده است. دوره این تقلاها مدتهاست سپری شده. بعد از اعتراضات وسیع دی ماه بهت و سکوت استحاله چی ها و طرفدارن روحانی را فرا گرفت چون نمیدانستند چه بگویند. مردم در خیابان شعار دادند "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا" و اینها فهمیدند این بار شرایط مثلاً با ۸۸ که کسی مثل خاتمی و موسوی و غیره بتواند جلو بیفتد و مانور بدهد، کاملاً فرق میکند. به نظر من این نوع تلاشها تقلاهایی از سر استیصال است برای اینکه رژیم را روی خط روحانی نگه دارند و حفظ کنند. این تقلاها بجائی نمیرسد چون جامعه از این مرحله رد شده است. یعد از دیماه وارد فازی شده ایم که خیابان، اعتصابات کارگری، اعتراضات مردم از پایین تاثیر روی موضع گیریهها، نامه پراکنی ها و کشمکشهای بین بالاینها میگنارد. این نامه ۱۸۵ نفر یکی از ترکش های انقلاب مردم است.

**کیوان جاوید:** بنظر شما شانس برای نجات حکومت

ندارند؟

**حمید تقوایی:** بنظر من دوی خرداد هیچ شانسی ندارد و رفتنی است. اینها عمرشان با عمر حکومت به پایان میرسد و به هیچوجه جانی در جامعه نخواهند داشت.

**کیوان جاوید:** در مورد اپوزیسیون راست چه نظری دارید؟ راست دارد خیابان را به خودش وصل میکند، به ترامپ امید بسته است، و حتی بعضاً دوست دارد حمله نظامی بشود و در عین حال اعلام می کند که ما با توده مردم هستیم، رضا پهلوی مدام می گوید مردم هر چه تصمیم گرفتند قبول دارد. نموده های دیگری هم هست که مثل کشف مومیائی رضا شاه و غیره. خطر راست را شما چقدر می بینید؟

**حمید تقوایی:** بله راست به میدان آمده است و بقول شما دارد خودش را به اعتراضات مردم وصل میکند، دم از حقوق بشر و دموکراسی میزند، خودش را سکولار میداند و غیره. راست هم یک بازیگر این شرایط هست ولی باید دو نکته را در نظر داشت.

یکی اینکه انقلاب و سرنگونی بقدرت انقلابی مردم سناریوی مطلوب راست نیست. از نظر استراتژیک راست هیچوقت از انقلاب دل خوشی نداشته است و در شرایط آرام همیشه علیه انقلاب صحبت کرده است و به رژیم چنچ، تغییرات از بالا، بحران آفرینی در مرزها، حمله نظامی و امروز به ترامپ و دولت آمریکا دخیل بسته است. بیشتر دغدغه اش این است که بوسیله آمریکا انتخاب شود تا توده مردم، چون فکر میکنند اگر دولت آمریکا پشتش باشد و لانسش کنند همچنانکه خمینی را بردند توی ماه، او هم میتواند از این طریق دستش بقدرت بند شود. این استراتژی راست است. به این دلیل است که وقتی انقلابی شکل میگیرد راست سعی میکند آنرا منحرف کند و روی خط خودش بیاورد و توجه ها را به تحولات از بالا جلب کند. کاری کند که مردم امید به بالا ببندند و فکر کنند کسی مثل ترامپ ناجی آنها است.

از صفحه ۶

حکومت فرو می پاشد

و یا همانطور که خودشان خروج ترامپ از برجام را جشن گرفتند مردم را هم به استقبال از اقدامات ترامپ بکشاند. این يك جنبه است که راست می‌خواهد انقلاب را محدود کند، قیچی کند و در جهتی که خودش می‌خواهد منحرفش کند.

نکته دوم این است که از نظر عینی و واقعی راست قادر به تحقق هیچکدام از شعارها و خواسته های مردم، و حتی آن وعده های نیم بندی که در اپوزیسیون بمرم میدهند، نیست. بعنوان نمونه رضا پهلوی از خواست ۵ میلیون حداقل دستمزد کارگران حمایت کرده است و یا از حقوق بشر، سکولاریسم آزادی و غیره صحبت میکنند. ولی عینیات اقتصادی و ملزومات کارکرد و سودآوری سرمایه ها در ایران به آنها اجازه عملی کردن این وعده ها را نمیدهد.

**کیوان جاوید:** بله بمحض رسیدن به قدرت حتما همه اینها را زیر پا میگذارد. ولی در جلال بین چپ و راست اینها آمریکا و اروپا را دارند. راست شعائر و ناسیونالیسم عظمت طلب خودش را دارد و مردم هم از اسلام خسته شده اند. به مردم میگویند برویم به کورش کبیر و مومیایی رضا شاه دخیل ببندیم و تلاش میکنند قدرت چپ را محدود کنند و خودشان قدرت را بگیرند. شما چه فکر میکنید؟

**حمید تقوایی:** بله راست همه اینها را دارد ولی در مقابل در ایران يك چپ قوی هم وجود دارد که حزب ما تشکل و نمادش است و این چپ، خیابان را با خودش دارد، اعتراضات کارگری را دارد، مبارزه زنان برای کشف حجاب را دارد، نه فقط سکولاریسم بلکه ضدیت با مذهب و این خواست عمیق مردم که مذهب از تمام زندگی اجتماعیشان جمع شود را نمایندگی میکند. خواست و آرمان رفاه و برابری و انسانیت را نمایندگی میکند؛ نه حقوق بشری که نسبش به کورش کبیر میرسد بلکه حقوق بشری که جهانی است و ارزش های جهان شمول انسانی را نمایندگی میکند. آزادی و رفاه و برابری و انسانیتی که حزب ما نمایندگی

میکند آرمان اکثریت عظیم مردم است.

در شرایط انقلابی جامعه به حزبی نیاز دارد و از حزبی استقبال میکند که مثل حزب ما تمام آزادی، تمام رفاه و تمام برابری، زدن زیر طبقات و زدن زیر بردگی مزدی و لغو تمام تبعیضات را نمایندگی کند. اگر چنین حزبی در صحنه نباشد مردم به نزدیک ترین حزبی که به خواست خودشان نزدیک بینند روی می آورند. اگر شما حزب ما و کلا این چپ اجتماعی که به این شکل در جامعه می بینید و در اعتراضات حضور قدرتمندش را اعلام کرده است را از صحنه حذف کنید، جامعه ممکن است راست را انتخاب کند چون، بقول شما، راست بالاخره علیه حکومت است، از سکولاریسم حرف میزند آمریکا را با خودش دارد و غیره.

این واقعیت که راست بطور ابژکتیو توانائی پاسخگویی به خواستها مردم را ندارد را باید از همین امروز بمرم گفت. راست امروز می گوید با ۵ میلیون حداقل دستمزد موافق است، فردا میگوید - این را حتی از همین امروز گفته اند- که باید کارگران کمزور بندها را سفت کنند و ایران را آباد کنیم. کارگری اگر فردا بخواهد برای ۵ میلیون یا دیگر خواستهایش اعتراض کند با اتهام خیانت به وطن و منافع ملی و نظایر آن به سراغش خواهند رفت. این ماهیت سیاستها و عملکرد واقعی نیروهای راست است که باید از همین امروز جلو چشم مردم گذاشت.

**کیوان جاوید:** بعنوان آخرین سؤال در جلال اجتماعی که در جامعه هست، مردم چپ هستند، مردم خواسته هایشان روشن است دیگر لازم نیست کسی بیاید و تحلیل کند. مردم رفاه و منزلت و کرامت انسانی می‌خواهند، می‌خواهند حقوق های نجومی بر بیافند و همه اینها را دارند میگویند. در جلال اجتماعی که بین راست و چپ هست مشخص است که مردم چپ را انتخاب کرده اند ولی مساله رهبری باز است. آیا حزب کمونیست کارگری ایران خودش را در این حد می بیند که

بگوید من رهبر هستم و این انقلاب را به راست نمیدهم و خودم به پیرویش میرسانم؟

**حمید تقوایی:** بنظر من حزب کمونیست کارگری رهبر این انقلاب است. ببینید میان اینکه حزبی وجود دارد که شایسته رهبری است و میتواند و لیاقت و برنامه و پراتیک و امکانش را دارد که انقلاب را پیروز کند، با شرایطی که چنین حزبی وجود خارجی نداشته باشد فرق زیادی هست. در تجربیات قبلی مثل انقلاب ۵۷ و یا انقلاب های موسوم به بهار عرب چنین حزب و نیروئی وجود نداشت و دیدیم که سرانجامشان چه شد ولی امروز در جامعه ایران چنین حزبی، حزب کمونیست کارگری ایران وجود دارد.

این حزب نه فقط به اعتبار برنامه و مواضع و شعارهایش، بلکه به اعتبار پراتیک سه دهه اش نشان داده است که پرچمدار آرمان رهایی و آزادی و ضدیت با مذهب، ضدیت با تعصبات ملی، قومی، میهنی، ضدیت با عقب ماندگی است و نماینده انسانیت، مدرنیسم و رفاه و برابری و آزادی. این کارنامه حزب ما است. حزبی که در اپوزیسیون آدمها را از سنگسار نجات داده است، از اعدام نجات داده است، جلو اسلام سیاسی در کشورهای اروپایی ایستاده است و آنها را عقب رانده است، پرچم دفاع از زندانیان سیاسی را بلند کرده است، مخالفت با اعدام را تبدیل به یک جنبش وسیع اجتماعی در ایران کرده است، و سرسخت و پیگیر علیه حکومت مذهبی و کلا علیه مذهب و ارتجاع مذهبی ایستاده است. فرق اساسی هست بین جامعه مصر که انقلاب شد و خیلی راحت کسانی که به اسم انقلاب علیه مبارک سر کار آمدند اعدام های وسیعی را شروع کردند با جامعه ایران. چنین چیزی در ایران ممکن نیست، بخاطر اینکه مخالفت با اعدام عمیقا در جامعه ریشه دوانده است و حزب ما در راس این حرکت بوده است. و همینطور در عرصه های دیگر مثل ضدیت با مذهب و مبارزه برای حقوق زنان و غیره و غیره.

به این دلایل است که میگویم حزب ما، در موقعیت رهبری کننده

انقلاب قرار گرفته است. البته این حزب باید عملا از طرف مردم انتخاب بشود. هنوز هیچ حزبی انتخاب نشده است، ولی ما آن حزب لایق و شایسته و توانائی هستیم که میتوانیم انقلاب مردم را سازمان دهیم، رهبری کنیم و تا

پیروزی به پیش ببریم. و تمام تلاشمان این هست که این حقیقت تبدیل به يك واقعیت عینی شود و جامعه رهبر انقلابی خودش را بازشناسد و انتخاب کند. ( با تشکر از طه حسینی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه)

## ۲۰۰۰ کارگر سه معدن متحدانه دست به اعتصاب زدند

شغلی، امنیت جانی، تامین هزینه های درمانی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، کاهش ساعت کار و برخورداری از مسکن مناسب. اینها خواست های میلیون ها کارگر در سراسر کشور است و کارگران این سه معدن پرچم مطالبات مهمی را در سطح جامعه بلند کرده اند. کارگران اعلام کرده اند قراردادهای یکساله را امضا نمیکنیم و قراردادها باید دائمی شود.

کارگران معادن یکی از محرومترین بخش های طبقه کارگرند که در شرایط بسیار ناامن کار میکنند و هر سال تعداد قابل توجهی از آنها بدلیل لاقیدی کارفرما و بیحقوقی کارگران برای مقابله قاطع با ناامنی کار، جانشان را از دست میدهند. اما نکته قابل توجه این است که در سال های گذشته کارگران معادن مبارزات درخشانی داشته و بارها دست به اعتصابات و تجمعات متحد و یکپارچه همراه با خانواده هایشان زده اند. طرح خواست های مهمی مانند مسکن مناسب، کوتاه کردن دست پیمانکاران و قرارداد دائم، امنیت شغلی و جانی و تامین هزینه های درمانی، يك پیشروی در مبارزات کارگران این معادن است که در شرایط مبارزاتی امروز جامعه حائز اهمیت است. با تمام قوا از این مبارزه و خواست های کارگران باید حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۹ خرداد ۱۳۹۷، ۳۰ مه  
۲۰۱۸

کارگران سه معدن همکار و حشونی و پایدانا متعلق به شرکت ذغالسنگ روز ۹ خرداد دست به اعتصاب متحدانه زدند و خواهان تحقق کلیه خواست های خود شدند. کارگران میگویند بخشی از مطالبات سال ۹۵ و بخشی از عیدی سال ۹۶ پرداخت نشده، هزینه های سنگین درمانی را کارگران از جیب میپردازند، در حالیکه بطور مستمر در این معادن مشغول کار هستند اما قرارداد دائم ندارند. اما مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان بیشرمانه میگوید دستمزدهای کارگران به روز شده، معوقات آنها پرداخت شده و در حالیکه کارگران در اعتصاب هستند میگوید کارگران به سر کار بازگشته اند. کارگران خواهان قرارداد دائم هستند اما این مقام حکومتی میگوید کارگران خواهان قرارداد برای سال ۹۷ میباشند. اما کارگران برخلاف این مقام حکومتی میگویند بیست سال است ارگان ها و مسئولین حکومتی وعده میدهند و عملی نمیکنند. در حالیکه کارگران این سه معدن سابقه کار طولانی دارند و بعضا ۴۰ سال است در این معادن کار میکنند اما قرارداد دائم با آنها بسته نشده تا کارگران را در شرایط بردگی کامل نگهدارند و شمشیر اخراج یا عدم تمدید قرارداد را بر سر کارگران معترض قرار بدهند.

کارگران خواست های مهم دیگری را نیز پیش کشیده اند. کوتاه کردن دست پیمانکار، امنیت

## به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

از صفحه ۳

افطاری روحانی و پاسخ رد هنرمندان

از صفحه ۳

ادامه اعتصاب سراسری رانندگان

تلاش کرد که برای شکستن اعتصاب از کامیونهای سپاه و ارتش برای کارهای ضروری و سوخت رسانی به پمپ بنزین های مورد نظر استفاده کند که چندان موفق نشد.

در حالیکه این اعتصاب تا همین جا سیستم حمل و نقل جمهوری اسلامی را با فلج کامل رو به رو ساخته و زمین گیر کرده است، بی تردید تداوم این حرکت بزرگ ضربات سهمگین تری به جسم ضعیف و نیمه جان رژیم وارد خواهد کرد و موجبات تقویت و گسترده شدن صفوف مردم مبارز و حق طلب در مقابل جمهوری اسلامی را فراهم خواهد کرد.

کازرون نشان میدهد که این نوع اعتراضات و این جنب و جوش چقدر میتواند در شکل گیری یک حرکت عمومی و گسترده علیه حکومت کارساز و موثر باشد. و می تواند بالقوه و بالفعل سد و موانع پیش روی را برای شکل دادن به يك اعتصاب عمومی و سراسری از میان بردارد.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی از همان روزهای اول اعتصاب سعی کرد به اشکال مختلف موانع و سدهایی در جلو راه این حرکت عمومی رانندگان کامیون بوجود آورد. از تهدید و تطمیع رانندگان و صاحبان کامیون گرفته تا واسطه قراردادن مسوولین انجمن های دست ساخته و صنفی، و حتی

متوجه شده اند که اوضاع جامعه دیگر مماشات با روحانی و خاتمی و امثالهم را قبول نمیکند. فهمیده اند که دوره کنونی دوره ای است که باید صدای آتنا دائسی و زندانیان سیاسی و کولبران و مردم معترض به فقر باشند. آنها که این صدا را نمایندگی کردند، مستقل از کارنامه گذشته شان از جانب مردمی که میخواهند از شر کل جمهوری اسلامی و سنت عزا و افطار و روضه خوانیش و چپاولش خلاص شوند، به دیده اغماض و احترام نگریده شده میشوند. و آنها که هنوز هم نفمینه اند که اوضاع به کدام سمت میرود و همچنان بدنبال افطار روحانی و عباي خاتمی روان هستند، شاید دیگر فرصتی برای جبران مافات پیدا نکنند.

میکنند و حتی دسته ای از مردم سفره سحریشان خالی است؛ این افطاری ها از گلویم پایین نمیرود، پس نخواهم آمد. دور هم میل بفرمایید، شاید کمی هم در دلتان هنگام اذان به فکر افطاری درمندان افتادید."

جمع شدن عده ای از چهره های رنگارنگ داخل کشور به بهانه ها و دلایل مختلف بر سر سفره روحانی چندان عجیب نیست. اما پاسخ های رد این هنرمندان در روزهای جاری گویای حال و هوای امروز جامعه ایران است که دیگر با افطار و رئیس جمهور اسلامی و "تعامل" کذایی و وعده های توخالی کنار نمی آید. این بازیگران سینما که امسال دست رد بر سینه روحانی زدند برخی همانها هستند که چند سال پیش به روحانی و قبلا به خاتمی رای داده بودند. اما مثل خیلی های دیگر اکنون بدست

فکرش رو بکنید، روز به روز اسفبار تر میشود.... وضعیت اسید پاشی و قوانین عقب افتاده درست نشده... بیماریهایی که خانواده ها برای پول دارو به هر جایی التماس میکنند و حاضرین تن به فروختن اعضای بدن خود بدهند... هنرمندانی که ممنوع هستند، هنری که سانسور میشود، آدم هایی که حذف میشوند. سرینجه آهنینی گلویمان را سالهاست که سخت میفشارد، در حال خفیه شدنیم. واقعا در چنین شرایطی که من و مردم با فقر دست و پنجه نرم میکنیم، در حالیکه کوچکترین اعتراضی هم سرکوب میشود، برای خودم حضور در چنین مکانی را جایز نمیدانم."

پرستو گلستانی، یکی دیگر از بازیگران سینما در اینستاگرامش نوشته است: "وقتی مردم ما به سختی زندگی

از صفحه ۳

مرگ ناصر ملک مطیعی و نوستالژی سینمای گذشته ایران

"ساحت مقدس مرد ایرانی" قلمداد می شود که تنها با خون و خونریزی می توان "تنگش" را شست. اما اقبال فیلم قیصر لزوما به دلیل حمایت اجتماعی از این ارزش های زن ستیزانه نبود اگر چه باورهای سنتی در آن زمان بسیار قوی بود. جذبه فیلم قیصر برای بسیاری شاید در روحیه نافرمانی و سرکشی گنجانده شده در فیلم بود. مسئله این است که در نظام پهلوی هم قانون مردسالارانه حاکم بود. زنی که مورد تجاوز قرار می گرفت از پشت و پناه قانونی درست و حسابی برخوردار نبود و کسی به فریادش نمی رسید. از همین رو دور زدن قانون و گرفتن انتقام فردی ( در ورژن فیلم قیصر انتقام قبیله ای) مورد توجه قرار می گیرد.

در مورد ناصر ملک مطیعی اما مسئله برعکس تر است. توجه به این هنرپیشه نامدار ربطی به نوستالژی فیلم های جاهلی ندارد. بلکه اساسا به رابطه این هنرپیشه با جمهوری اسلامی بر می گردد. ناصر ملک

مطیعی بخاطر کار هنری اش در زمان شاه مثل بسیاری از دیگران هنرمندان آن زمان مورد غضب جمهوری اسلامی و دستگاه سانسور آن قرار گرفت. به او اجازه کار هنری و سینمایی ندادند چرا که او یاد آور "طاغوت" بود. گرچه از رژیم شاه نیز دل خوشی نداشت. ناصر ملک مطیعی در لیست سیاه جمهوری اسلامی قرار گرفت و به همان اندازه که مورد خشم این رژیم واقع شد از سوی مردم مورد احترام قرار گرفت. بی دلیل نیست که مراسم سوگواری وی در تهران به محلی برای سر دادن شعارهای ضد حکومتی و علیه سانسور تبدیل می شود. رفتار ظالمانه جمهوری اسلامی با هنرمندانی چون ناصر ملک مطیعی گوشه ای از اعمال بی حقوقی جمهوری اسلامی به کل مردم ولگد کوب کردن حقوق پایه ای آنهاست. ابراز وجود آزادانه مردم در زمینه های مختلف و منجمله هنری باید حق هر فردی در جامعه باشد و از این نظر رفتار جمهوری اسلامی در

سانسور هنرمندان شدیداً محکوم است. ناصر ملک مطیعی باید آزاد می بود که به سینما بازگردد و به کار هنری بپردازد ولی جمهوری اسلامی این حق پایه ای را از او دریغ کرد و او چهل سال این غم را با خود حمل کرد و متأسفانه آرزوی هرگز برآورده نشد.

با سرنگونی جمهوری اسلامی امیدوارم جامعه ای بسازیم که سانسور و سرکوب و اختناق در آن جایی نداشته باشند. همه بدون خطر دستگیری و سانسور بتوانند حرف بزنند، فیلم بسازند، اثر هنری خلق کنند، نقد کنند بدون آنکه به "ساحت مقدس" کسی بر بخورد، آزادانه تجمع و اعتراض کنند و احساسات و عواطف خود را بیان کنند. مطمئناً در يك جامعه آزاد هنر و ادبیات رشد خواهد کرد و مردم آزادند علایق هنری خود را آنتور که دوست دارند دنبال خواهند کرد.

## Down with the Islamic regime of Iran!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

تمام آمرین و عاملین جنایات جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته باید دستگیر و علناً محاکمه شوند!

کلیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی باید فوراً منحل شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party Of Iran



از صفحه ۴ کارگران در هفته ای که گذشت

## یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع باید برای همه شهروندان در ایران تضمین شود. حداقل دستمزد باید بر مبنای این استانداردها افزایش پیدا کند و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و افراد آماده به کار تامین شود. طب و بهداشت و تحصیل باید فوراً برای همگان رایگان شود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party Of Iran

کشیده شده است. همه این شواهد نشان از این دارد که اوضاع بسرعت به سمت یک خیزش عمومی دیگر می‌رود. با این تفاوت که این بار مردم سازمانیافته تر و با خواسته‌های متعین تر و روشن تری به میدان آمده و مبارزات آنان عمق بیشتری پیدا کرده است. مردمی که با شعارهای اعتراضی شان علیه فقر، تبعیض، نابرابری و کل بساط سرمایه داری دزد سالار حاکم بر جامعه انسانیت را فریاد می‌زنند. در عین حال اینها همه نشانه های بارزی از در هم ریختگی اقتصادی و سیاسی موجود در ایران و در هم ریختگی حکومتی است که توان به جریان انداختن هیچ روال عادی ای در جامعه را ندارد. حکومتی که باید بساطش را جمع کند و گورش را گم کند.

نگاهی به اعتراضات مهمی که برشمردم تصویری از فضای اعتراضی در میان کارگران و کل جامعه بدست می‌دهد. همراه با اعتراضات کارگری که هر روز دامنه اش گسترده تر و سراسری تر میشود و بطور واقعی موجی از اعتصابات سراسری کارگری در پیش است، بخش های دیگر جامعه نیز با اعتراضات سراسری شان دارند به میدان می آیند. از جمله بیش از یک هفته است که اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون جریان دارد و دامنه این اعتراض به ایران خودرو و کارخانجاتی که مواد اولیه برایشان حمل نمیشود و به مراکز سوخت و غیره کشیده شده و دارد اقتصاد حکومت را فلج میکند. رانندگان مینی بوسها و تاکسی رانان نیز به اعتصاب سراسری پیوسته اند و اعتصاب عمومی به بازار نیز

در پی این بازداشت ها بیش از هشتصد کارگر کارخانه هپکو در مقابل دادگستری تجمع کرده و خواستار آزادی فوری همکاری بازداشتی، رفع تعقیب کارگران احضار شده و لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان، پرداخت باقی طلبها و امنیت شغلی شان شدند. کارگران ایستادند و با شعار ننگ ما، ننگ ما، دادستان شهرما، کل بساط سرکوب دستگاه قضایی را به چالش کشیدند. سرانجام ۵ کارگر بازداشتی هپکو با قرار وثیقه آزاد شدند. بدین ترتیب کارگران توانستند با اعتراض قدرتمند خود توطئه سرکوب حکومتیان و مقامات مسئول را در هم بشکنند. بدنبال این اتفاقات است که در روز هشتم خرداد کارگران هپکو و آذراب در مبارزه ای مشترک کنار هم ایستاده و پیگیر خواسته‌هایشان هستند.

توطئه های تفرقه افکنانه کارفرمایان و به لحاظ اتکاء به مجمع عمومی به عنوان محلی برای اعمال اراده همه کارگران و ایستادن در مقابل سرکوبگری های حکومت تا کنون دستاوردهای مهمی برای کل جنبش کارگری داشته است.

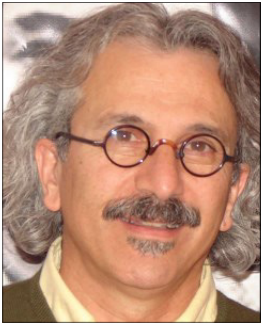
### تجمع مشترک کارگران آذراب و هپکو اراک مقابل ساختمان استانداری مرکزی

روز ۸ خرداد شماری از کارگران کارخانه «آذراب اراک» و تعدادی از کارگران هپکو در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و دیگر مطالباتشان در مقابل استانداری شهر تجمع داشتند. زیر فشار حرکت اعتراضی شکرالله حسن بیگی معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری مرکزی ناگزیر به شرکت در جمع کارگران شده و اعلام کرد پیگیر خواسته‌های آنها خواهد بود.

اعتراض همزمان هشتصد کارگر هپکو هزار و هفتصد کارگر آذراب در وسط شهر اراک یک اتفاق سیاسی مهم است و تاثیرات مستقیم خود را بر فضای این شهر می‌گذارد.

این کارگران قبلاً نیز در شهریور ۹۶ حرکت اعتراضی مشترکی داشتند که ابعادی اجتماعی پیدا کرد. در آنجا بود که کارگران هپکو سرود زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی را سر دادند و اعتراض کارگران و همه مردم به فقر، بی تامينی، تبعیض، نابرابری و برای داشتن يك زندگی انسانی را فریاد زدند. متعاقب این حرکت قدرتمند اعتراضی بود که نیروی انتظامی هراسناک از گسترش دامنه اعتراضات کارگران آذراب به صف کارگران حمله کرد و کارگران جانانه با آنها درگیر شدند و به اعتراضاتشان ادامه دادند. بطوریکه شهر اراک به صحنه اعتراض خیابانی کارگران آذراب و هپکو با سرکوبگران حکومت اسلامی تبدیل شد. بعد نیز این اعتراضات موجی از همبستگی کارگری را بدنبال داشت و نتیجه آن به دست و پا افتادن حکومتیان و عنبرخواهی از کارگران بود.





## سخنان مایک پمپئو: آب یخی بر سر اپوزیسیون راست و طرفدار ترامپ علی جوادی

اخیر مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا در مصاحبه ای اختصاصی با صدای آمریکا اعلام کرده است که هدف دولت دونالد ترامپ، نه تغییر رژیم جمهوری اسلامی بلکه تغییر رفتار این حکومت است و آمریکا تا وقتی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی حمایت میکند که "هدفشان با ما یکی باشد". و در توضیح این سیاست در مورد اپوزیسیون راستی و سر به آمریکا گفته است که "ما نمیخواهیم که آنها از تغییر رژیم پشتیبانی کنند... و اگر افراد فعال در خارج کشور در راستای این هدف فعالیت کنند، ما از آنها استقبال می کنیم." در این زمینه باید به چند مساله اشاره کرد.

۱- پمپئو سیاست دولت ارتجاعی ترامپ را با شفافیت و بدون هیچ فیلتری بیان کرده است. صریحا و با بی شرمی تمام در شرایطی که توده های مردم با خیزش انقلابی خود در دی ماه آغاز پایان عمر رژیم اسلامی را فریاد زده اند، اعلام است که به دنبال سازش و بند و بست با رژیم آدمکشان اسلامی در ایران هستند. این سیاست هیات حاکمه آمریکا بار دیگر و بدون هیچ شائبه ای رو در رویی سیاستهای این دولت‌های ارتجاعی را در قبال خواست توده های مردم در ایران به نمایش میگذارد. این سیاست بار دیگر ماهیت ارتجاعی سیاستهای این جریان را به نمایش میگذارد و نشانگر آن است که سیاستهای این دولت‌ها ذره ای همسویی و خوانایی با خواستهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده های مردم در ایران ندارند.

۲- اتخاذ چنین سیاستی، زمانیکه با "شدیدترین تحریم های" ارتجاعی اقتصادی همراه شده است، هدف روشنی دارد، کشاندن رژیم اسلامی به پای میز مذاکره با نمایندگان دولت ترامپ. این

سیاست به لحاظ تاکتیکی مشابهی سیاستی است که دولت ترامپ در قبال کره شمالی دنبال میکنند. به دنبال تغییر سیاست رژیم اسلامی در منطقه هستند. هدفشان تغییر توازن قوای سیاسی در منطقه به نفع ارتجاع عربستان و اسرائیل در قبال ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران است. میکوشند همزبانی سیاسی این ائتلاف پرو آمریکایی را بر منطقه تحکیم کنند. با همان زبانی که رژیم اسلامی را به عنوان "محور شر" اعلام میکنند، با همان زبان هم خواهان مذاکره با این اوباش اسلامی هستند. شاید در فردایی نه چندان دور و در پس یک "ترمش قهرمانانه" دیگر خامنه ای شاهد تعریف و تمجید های ترامپ از خامنه ای، همانگونه که از کیم جون اون تعریف میکنند، نیز باشیم. یک هدف از این سیاستها و تلاش برای رسیدن به توافق جدید، تاثیر چنین توافقی تثبیت موقعیت ترامپ برای دور دوم ریاست جمهوری در آمریکا است.

۳- انتخاب "صدای آمریکا" که پرونده قطوری در دفاع از جناح اصلاح طلب و اعتدال گرای رژیم آدمکشان اسلامی دارد، انتخابی تصادفی و بدون ارتباط با سیاست حاکم بر این رسانه دولتی نیست. بار دیگر نشان داده شد که سیاست حاکم بر این رسانه ارتجاعی و دولتی چندان با تغییر کابینه و جناحی که ماشین دولتی را در آمریکا در دست دارد، نیست. بلکه تابعی از منافع و مصالح عمومی و سیاستهای پایه ای تر و دراز مدت تری است. اعلام این سیاست در این رسانه در عین حال مهر تاییدی بر سیاستهای ارتجاعی این رسانه دولتی است.

۴- این سخنان مانند پتکی بر سر اپوزیسیون راست و طرفدار ترامپ فرود آمده است. شوک شده اند. جریانات ریز و درشت اپوزیسیون راست اعم از سلطنت طلبان و یا مجاهدین خلق و یا

جریانات قوم پرست و فالانژیست آریایی جملگی دچار آشفتگی فکری و لکنت زبان و پریشان گویی شده اند. جریاناتی که امیدشان را برای رسیدن به قدرت و سرنگونی رژیم اسلامی از اساس و پایه به سیاستهای میلیتاریستی و جنگ طلبانه این جماعت آماده به شلیک گره زده بودند، گویی تمام آرزوها و امیدشان به یک شبه به سراب تبدیل شده است. بعد از افسردگی سیاسی ای که در دوران اواما به آن دچار شده بودند و ناچار شدند بساط گدایی و حقارت خود را دم درگاه شیوخ مرتجع عربستان پهن کنند، اکنون دچار ضربه دیگری شده اند. چیزی جز بی آبرویی و حماقت سیاسی در کاسه شان نمانده است. سرگیج و مستاصل مانده اند که چه کنند. بی مصرف شده اند. گویی ارزش مصرف خود را برای قبله خود از دست داده اند.

۵- پمپئو در عین حال شرط و شروطی هم برای این اپوزیسیون سر به توپ و تانک آمریکا تعیین کرده است. بدون هیچ ملاحظه و معذوریت "دیپلماتیک" اعلام کرده است که اگر دنبال حمایت و کمک ما هستید، باید به ساز ما هم برقصید. باید دست از "اپوزیسیون" بودن بردارید و سیاست "تغییر رفتار" رژیم را در دستور خود قرار دهید. واقعا وقاحت نمایندگان این دولت‌ها و حقارت سیاسی جریانات دست راستی پرو ترامپی دیدنی است. از طرف دیگر کسانی که برای یک عکس گرفتن با فلان نماینده فوق دست راستی سر و دست میشکستند، اکنون ناچار شده اند با سیلی صورت خود را سرخ نگهدارند. برخی از آنها از جمله رضا پهلوی که برای ترامپ پیام تبریک فرستاده بود و به درگاه اش دخیل بسته بود، اکنون ناچار شده است که این سیاستهای خود را در گوشه ای پنهان کند. و جریاناتی امثال مجاهدین دارند چرتکه می اندازند که چقدر این بار باید خرج

کنند و کدام مشاور را بخرند، تا نیم نگاهی مجددا به این فرقه فالانژیست انداخته شود.

۶- این سیاست آمریکا بر خلاف تصورات ساده انگارانه برخی تاثیر منفی ای بر مبارزات مردمی که در کمین رژیم اسلامی نشسته اند، ندارد. مردمی که قیام و شورش و خیزشهای توده ای و انقلاب توده ای ابزار سرنگونی رژیم اسلامی و تحقق امر آزادی و برابری و رفاه همگان در جامعه است، به این سیاستها وقعی نخواهند گذاشت. جامعه تیمارستان نیست که برای چنین سیاستهای کودنانه و ارتجاعی گوش شنوایی داشته باشد. این واقعیت مسجلی است که مردم سیاستشان را در قبال رژیم اسلامی تغییر نخواهند داد، بلکه این هیات حاکمه آمریکا و دول ارتجاعی غرب و شرق هستند که ناچارند سیاستشان را در قبال خیزش توده های مردم تغییر دهند. این واقعیت را گسترش اعتراضات جامعه به ذهن کودن این جریانات فرو خواهد کرد. همانطور که حمایت آمریکا از حسنی مبارک نتوانست این رژیم استبدادی را سر پا نگهدارد، تلاش برای بند و بست آمریکا با رژیم اسلامی هم به طریق اولی حلقه تعیین کننده در بقاء رژیم اسلامی نخواهد بود. همانگونه که حمایت رژیم آمریکا و چند ده هزار

مستشار نظامی و سیاسی نتوانست حفظ کند، این سیاستشان هم منجر به حفظ رژیم اوباش اسلامی نخواهد شد.

۷- این شرایط بار دیگر و بیش از هر زمان دیگری نشان میدهد که راه خلاصی از شر حکومت اسلامی از مجرای امید و چشم داشتن به کاخ سفید و جریانات اپوزیسیون راست و پرو ترامپ از سلطنت طلب و مجاهدین خلق یا جمهوریخواهان دست راستی نیست. این جریانات نماینده ذره ای از آزادیخواهی و برابری طلبی عمیق نهفته در خواست توده های مردم نیستند. به دنبال اعاده اوضاع سابق اند. عمیقا ارتجاعی اند. ما تمامی مردم آزادیخواه و برابری طلب را برای پیروزی در مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی و تحقق امر آزادی و برابری و رفاه همگان به اردوی کمونیسم کارگری فرا میخوانیم. تنها کمونیسم کارگری تنها نیروی مبشر آزادی و خلاصی و برابری و پایان دادن ریشه ای به فقر و فلاکت و استثمار در جامعه است. سخن ما با مردم پیاخواسته این است. مردم به حزب خودتان، حزب کمونیست کارگری، بپیوندید!

**همه زندانیان سیاسی و  
دستگیر شدگان  
اعتراضات اخیر فوراً  
باید آزاد شوند.**

## اطلاعیه نهاد کودکان مقدمند در باره پرونده آزار جنسی در مدارس ایران جمهوری اسلامی و آموزش و پرورش آن مقصر اصلی آزار جنسی کودکان است!

سیستم و حکومت است که باید مورد بازخواست و محاکمه قرار بگیرد! کیست که نداند، هیچ قانون حمایتی نه برای ممانعت از تعرض و نه برای امداد و کمک و رسانی و نیز روان درمانی به این کودکان وجود ندارد. برای بازگرداندن اعتماد به نفس فروریخته و جبران هتک حرمت به این کودکان مراقبت های روان درمانی اضطراری لازم است. مقصر اصلی این فاجعه خود جمهوری اسلامی و کل دستگاه فاسد حکومتی آن است که کودکان بی دفاع را به دست حوادث سپرده است. جامعه باید با اعتراض خود اعمال اراده کند و حکومت را مجبور به پذیرش مسئولیتی کند که عامدانه از زیر بار آن شانه خالی می کند.

نهاد کودکان مقدمند  
۸ خرداد ماه ۱۳۹۷  
۲۹ مه ۲۰۱۸

دسته آخوند، به کمک دستگاه قضائیه و ادارات ثبت احوال مجری قربانی کردن کودکان اند. وجود بیش از ۸۰۰ هزار کودک به ازدواج داده شده و بیش از ۹۰ هزار کودک مطلقه، سند گویای جنایت سازمان یافته حکومتی در تعرض جنسی به کودکان است.

از نظر مردم اقدام نمایشی خامنهای در دستور به قوه قضائیه برای رسیدگی فوری به این پرونده چیزی جز هرچه سریعتر پاک کردن صورت مسئله نیست! تیرنه سعید طوسی، قاری محبوب "بیت رهبری" درحالی که دادگاه بدوی اقدام جنایی او در تعرض جنسی به کودکان را محرز و قرار مجرمیت نیز صادر کرده بود، با اعمال نفوذ شخص "علی مقدم" مسئول ارتباطات دفتر خامنهای، وی تبرئه شد و شامل "حد الهی" نگردید. این نمونه بارزی از مصلحت گرایی و اعمال نفوذ مسئولین حکومت اسلامی است. این نه فقط فرد خاطی که کل

تهران فاش شد که همزمان به ۶ دانش آموز این مدرسه آسیب جنسی می زده است. اما آموزش و پرورش با سرپوش گذاشتن و به کجراه بردن این پرونده، راه را برای فجایع بعدی باز گذاشت.

خانواده های دانش آموزان و کل جامعه نسبت به لاابالیگری و عدم پاسخگویی آموزش و پرورش و تکرار فجایعی از این دست بشدت معترض هستند. حق دارند نگران عدم امنیت کودکان و نوجوانان خود و تکرار این فاجعه در ابعاد دیگر در مدارس و محیط های آموزشی و ورزشی و پرورشی باشند! کودکان و نوجوانان برای دفاع از خود، درمقابل این دست درازی ها، نه آموزشی دیده اند و نه حتی مفر و امکاناتی برای دادخواهی دارند!

تعرض جنسی شرعی و قانونی تحت عنوان ازدواج کودکان، بخش دیگری از سیاست کودک ستیزی سیستماتیک حکومتی است که از آموزش و پرورش تا مساجد و دار و

بی پناهی و آسیب پذیری دردناک کودکان در مقابل تعرض جنسی است. ناامن بودن محیط های آموزشی که بنا به تعریف باید محل امنی برای کودکان باشد به محل های تعرض جنسی بدل گردیده است. فاجعهای گسترده که مداوما توسط مسئولین نظام بر آن سرپوش گذاشته می شود. این نه فقط مدارس که محیط های ورزشی از آکادمی های فوتبالی تا استخرهای شنا و غیره محل جولان پدوفیل ها و افراد خطرناک جنسی برای کودکان است.

آزار و استفاده جنسی از کودکان کار و خیابان آنچنان گسترده است که سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران اعلام می کند ۹۰ درصد این کودکان مورد انواع آزارهای جنسی قرار گرفته اند. سازمان بهزیستی هشدار داده است که کودکان بی پناه در خیابانها در کمتر از ۱۲ ساعت مورد تعرض جنسی قرار می گیرند. در سال ۱۳۹۴ پرونده تعرض جنسی ناظم حزب اللهی مدرسه ای در

انتشار خبر هولناک تعرض جنسی ناظم یک مدرسه متوسطه به ۱۶ دانش آموز، جامعه را در شوک عظیمی فروبرده است. با شکایت خانواده یکی از کودکانی که بشدت از آزار جنسی این فرد حزب اللهی آسیب روانی دیده است، پرده از رازی مهیب و تکان دهنده برداشته شد. فاش گردید که ناظم گزینشی و مسئول پرورشی مدرسه غیر انتفاعی "معین" در منطقه ۲ تهران، طی یک دوره طولانی حداقل ۱۶ دانش آموز این مدرسه را با نشان دادن تصاویر و فیلم های جنسی، به رابطه جنسی با یکدیگر وادار می کرده است. کلیپ های ویدئویی که تا کنون منتشر شده است بخشی از ابعاد این فاجعه را نشان می دهد که چگونه این فرد توانسته است بدون هیچ سد و مانعی با قربانی کردن کودکان این مدرسه، به اهداف کثیف خود دست یابد.

فاجعه آزار جنسی پیاپی در مدارس جمهوری اسلامی نشان

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**

**توجه توجه**

**فرکانس تلویزیون کانال جدید تغییر کرد**

**ماهواره یاه ست**

**فرکانس : 11766**

**پولاریزاسیون : عمودی**

**سیمبل ریت : 27500**

**اف ای سی : 5/6**

## گزارش کوتاهی از میتینگ در مقابل سازمان جهانی کار



صد وهفتمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار روز سه شنبه ۲۹ مه در ژنو شروع شد. در اعتراض به شرکت نمایندگان جمهوری اسلامی در این نشست امسال نیز مثل سالهای قبل فراخوان اعتراض و آکسیون داده شده بود. تیمی از حزب کمونیست کارگری در این آکسیون اعتراضی شرکت کرده بود که گزارش کوتاهی از این آکسیون را ملاحظه میکنید:

فراخوان دهندگان این تظاهرات از احزاب و سازمانهای مدافع حقوق کارگران بودند. تیمی از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در این تظاهرات شرکت داشت و نسرین رمضانعلی از طرف حزب در این میتینگ سخنرانی کرد.

پلاکاردهای حزب بویژه پلاکاردی که روی آن نوشته شده بود جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود توجه زیادی را به خود جلب کرد.

حضور هر ساله حزب در سالن نشست رسمی سازمان جهانی کار و افشاکاری علیه جمهوری اسلامی از پشت میکروفون آن، بدلیل تدابیر شدید امنیتی که از سه سال قبل برقرار کرده اند، عملی نبوده است. اما حضور حزب ما و سایر مخالفین جمهوری اسلامی از کشورهای مختلف توجه زیادی را به جمهوری اسلامی بعنوان حکومتی سرکوبگر و جنایتکار جلب نموده است. نمایندگان

در این میتینگ بیانییه ها و اطلاعیه هایی از طرف احزاب و سازمان های شرکت کننده در این میتینگ در دفاع از کارگران قرائت شد. اطلاعیه های حزب نیز در میان شرکت کنندگان در این میتینگ و همینطور در میان اعضای برخی هیات ها از جمله هیات های عراق و نیجریه توزیع گردید. نکته قابل توجه پوسترها و بنرهای حزب بود که به گرمی مورد استقبال قرار گرفت. تعدادی پوسترها را در دست میگرفتند و یا با آن عکس میگرفتند و تعدادی از نمایندگانی که در اجلاس حضور داشتند، حمایت و پشتیبانی خود را به اشکال مختلف اعلام میکردند.

**تراکت های حزب  
کمونیست کارگری ایران  
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید**

**www.wpiran.org**

**به حزب کمونیست  
کارگری ایران پیوندید**

**انترناسیونال**

**نشریه حزب کمونیست کارگری**

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: **anternasional@yahoo.com**

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

